

استقرار حکومت قانونی هدف جبهه ملی ایرانست

اعلامیه جبهه ملی ایران

ملت ایران در نیم قرن پیش وقتی از حکومت فردی ورژیم استبدادی بستوه آمد باقیامی مردانه و انقلابی مقدس حکومت استبدادی را سرنگون کرد و با خون شهیدان راه آزادی قانون اساسی را که دستگاه استبدادی کنونی بامر و فرمان عالیحضرت در طاق فراموشی آویخته اند نوشت تا حکومت مردم بر مردم بشکل پارلمانی تحقق یابد ولی متاسفانه می بینیم که اکنون باز دچار حومت مطلقه و استبدادی دیگری هستیم و اثری از آثار مشروطیت که خونبهای مجاهدان انقلاب مشروطیت است برجای نمانده * عالیحضرت که بر طبق اصل ۴۴ متمم قانون اساسی از مسئولیت ببری هستید و نباید خودشان را بامور مسئولیت حکومت آلود کنند علاجانشین قوای ثلاثه مملکت شده اند و با صدور فرمان بدولت دستور وضع قانون که از خصایص پارلمان است میدهند و دولت را بجسارت در اجراء آن تقویت مینمایند *

نخست وزیر روز را که بنابر اصل فوق الذکر در برابر پارلمان مسئولیت دارند و باید مجری قوانین مصرع مجلس باشند را اعتراف خودشان جزا اجرای دستورات پادشاه که بحکم عدم مسئولیت در امور مملکت مداخله ای نباید داشته باشند و وظیفه دیگری برای خود قائل نیستند * مسائل سیاست داخلی و خارجی از جزئی و کلی بامد اخله مستقیم شخص عالیحضرت حل و فصل میشود و در این خصوص پنهان تبلیغ و تظاهر میشود که عدم تاثیر وزیر مسئول و اعضا دولت در امور مملکتی بر ملا آشکار است هر روز بی اراده تر بود و در اطاعت او امر کور کورانه و بدون توجه بقوانین امتحان داده باشد مقرب تر و در مقام خود ثابت تر خواهد بود *

می بینیم که اکنون اثری از آثار مشروطیت باقی نیست و آزادیهای فردی و اجتماعی و حقوق ملت که در اصول هشتم تأییدست و رسوم متمم قانون اساسی مصرح است بکلی پایمال شده است * آزاد قلم و مطبوعات که رکن چهارم مشروطیت و مقوم نظام دموکراسی است مصداق خارجی ندارد و علی رغم اصل بیستم متمم قانون اساسی مطبوعات جز آنچو سانسور چنان دستگاه استبدادی دیکته میکنند نمیتواند چیز دیگری بنویسند * قوای قهریه حکومت استبدادی افراد و شخصیت ها را برخلاف جمیع قوانین به گناه آرایخواهی و بعلمت اینکه اجرای قانون اساسی را طلب میکنند بعیل و اراده شخصی زندانی میکنند و حتی پس از پایان مدت حبس های غیر قانونی هر کس را بخواد در قید و بند نگاه میدارند و نمونه بارز آن پیشوای بزرگ ملت ایران آقای دکتر مصدق است که پس از گذراندن زندانی غیر قانونی خود بیش از شش سال است که از آزادی محرومند *

پارلمان که مظہر تجلی مشروطیت است وجود ندارد و با ادامه تعطیل آن تظاهر میشود * عالیحضرت بدون وجود مجلس بدولت فرمان وضع قانون میدهند و جمعی که زیر سایه سرنیوزهای دیکته استاتوری بنام دولت بر مملکت تحمیل شده اند با تصویب نامه قانون وضع و اجراء میکنند و پیوسته با تظاهر باصلاح طلبی و دلسوزی بحال طبقات محروم ملت که خود مسبب اصلی بدبختی و محرومیت آنان هستند میخواهند ماهیت حکومت استبدادی خود را توجیه کنند و بر آن پرده استتار بکشند *

از ۲۸ مرداد ۱۳۲۶ تا اردیبهشت ۱۳۲۶ که حکومت دکتر امینی بر مملکت تحمیل گردید عالیحضرت حکومت مطلقه خود را زیر سرپوش ظاهری مشروطیت بر ملت تحمیل میکردند باین شکل که مجالس ساختگی و دولت های پوشالی وجود داشتند و ظاهر حکومت دموکراسی در کشور برپید شده بود ولی مجلسها و دولتها از خود کوچکترین اراده و اختیاری نداشتند و مانند آلاتی بی اراده اوامر صادر را بدون آنکه مجاز باشند نقطه ای را پس و پیش کنند اجراء میکردند * من باب مثال وقتی آقای تقی زاده رئیس مجلس سنا بمناسبت طرح لایحه معفیت فروشگا ارتش از حقوق گمرکی یاد آور میشود که ممکن است تصویب این لایحه با ترکیبی که دارد باقتصاد و درآمد کشور لطمه ای بزند عالیحضرت امر میکنند باید این لایحه بدون تفسیر یک نقطه تصویب شود و متاسفانه حسب الامر بدون کم و کاست تصویب و اجراء شد یادکتر اقبال که خود را غلام جانشینار میخواند نه نخست وزیر مملکت مشروطه در مجلس شورای ملی هنگامی که مورد استیضاح واقع شد صریحا در جلسه علنی مجلس گفت باید مجاس وقت استیضاح را معین نکند تا عالیحضرت از مسافرت مراجعت کنند

و با کسب اجازه تعیین وقت شده و جواب استیضاح داده شود. برای آنکه بحکومت فردی و استبدادی لباس دموکراسی بپوشند حسب الامر احزاب قلابی برهیری غلامان خانه زاد و چاکران جان نثار ساختند تا در محافل بین المللی و در انظار جهانیان باقیافه دموکراسی نمایان شوند و باراه انداختن این خیمه شب بازی انتخابات مفتض و ننگین تابستانی و زمستانی را انجام دادند و در ضمن صحنه سازیهای تبلیغاتی انتخاباتی دو حزب دولتی یکدیگر را رسوا و مفتض کردند. رسوائی انتخابات و مجلس ساختگی دوره بیستم بجائی رسید که اعلیحضرت با اینکه لیست نامزدان تحصیل آنرا با توجه بخصوصیات فرد فرد آنان شخصا تصویب نموده و دستور صادر شده بود که بانها اعتبارنامه نمایندگی داده شود ممکن نشد چنین مجلسی را نگاه دارند و لاجرم بحکم مقتضیات زمان فرمان انحلال مجلس ساختگی را صادر نمودند و مجلس سناراهم که از امراء فرمانبر بازنشسته و رجال مطیع و تسلیم تشکیل یافته بود و جز اطاعت امر کاری نداشتند منحل کردند تا بتعطیل مشروطیت تظاهر کنند و اثری از آثار مشروطیت ولو بظاهر امر باقی نمانده باشد.

تا دکتر امینی ظاهرا رئیس دولت بود و بتعطیل عهدی مشروطیت تظاهر میکرد و بهانه اصلاحات و مبارزه با فساد بقانون اساسی پشت پامیزد و با تصویب نامه وضع قانون میکرد برای جمعی شك و تردید بود که آیا اعلیحضرت بانسخ قانون اساسی تا این حد و تعویق انتخابات و ادامه تعطیل مشروطیت که قطعاً بضرر ملک و ملت است حقیقتاً موافق بوده اند یا خیر و لن پس از صدور فرمان شش ماده ای که آنرا باید منشور نسخ قانون اساسی و انحلال مشروطیت نامید و بعد از استعفای دکتر امینی و تشکیل دولت علم که خدمتگزار شخص دربار است معلوم و آشکار شد که دولت سابق هم آلت بی اراده ای در اختیار اعلیحضرت بوده و تعطیل مشروطیت و بی اعتبار کردن قانون اساسی ناشی از تمایل و اراده شخص پادشاه میباشد اعلیحضرت هستند که بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تاکنون شاغلین مشاغل حساس کشوری و کشوری را که اکنون بنسب و نادرستی و عدم لیاقت متعهد شدند و ترغیب و مقام داده و با وجود آوردن محیط خفقان آنان را تقویت کرده و عنان گسیخته بر جمیع شئون مملکت مسلط ساخته اند که رواج فساد و ورشکستگی کشور نتیجه تجاوزات آنهاست.

ملاکان و متنفذان و فرزندان فئودالها که اکنون قطع نفوذ آنان را موجب حصول سعادت ملت و تحقق رفورم و اصلاحات میشمارند با حمایت و اعصال قدرت استبدادی بر کرسی وکالت و وزارت نشاندند و آنها جز نایات شاهانه و اتکاء بقدرت سلطنت پشتیبان و نفوذی برای خود قابل نبردند. هر زمینی برای ملت و مملکت داشتند در نتیجه حمایت سیاست اعلیحضرت از آنها بوده است. کسی نیست که بگوید در این ۶ ساله اخیر در داخل مملکت قدرتی جز قدرت استبدادی وجود داشته تافساد و نابسامانی هارانشی از آن بدانند قدرتها و سیاستهای خارجی هم در این مدت در شخص اعلیحضرت تمرکز یافته و امور سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کشور بدون دخالت احدی در قبضه قدرت ایشان بسوده است بنابراین چگونه یکباره ورق برگشت و گناه تمام تیسره روزیهای مملکت را بگردن پرور یافتگان مطیع دستگاه استبدادی انداختند. این روشهای ضد و نقیض نشان میدهد که ممکن است در روش کنونی هم ثابت قدم نمانند. شك و تردید نیست که در مملکت باید عدالت اجتماعی بجز قرار و رفورم و اصلاحات انجام شود و با فساد و نادرستی و اتلاف بیت المال مسیلت که در این دوران ۶ ساله حکومت استبدادی بی نهایت رواج یافته باید مبارزه شدید و جدی کرد ولی حکومتی توانائی انجام آنرا دارد که ناشی از ملت باشد و افکار عمومی آن دولت را مصالح و مصلی بشناسد و از صمیم قلب از آن پشتیبانی کند. اصلاح طلبی و مردم دوستی اگر اساس و پایه درستی نداشته باشد منشأ هیچگونه تحسول و منفج مردم نخواهد شد. حکومتهای فاسدی نمیتوانند منشأ تحول و اصلاحاتی بشوند زیرا ریشه و بنیان ندارند و بتجربه ثابت شده است که اغلب اوقات تملق گویی

و حب حکومت کردن و سیاست های خارجی خیلی زود مسیر فکری یکنفر صاحب قدرت را که مسلط بر حکومت است تغییر میدهد.

جبهه ملی ایران با اصلاحاتی که متضمن عدالت اجتماعی باشد و سطح تولید و زندگانی مردم را بالا ببرد و - وطن عزیز ما را در ردیف کشورهای مرفعی امروز قرار دهد صمیمانه و جدی موافقت دارد ولی معتقد است که اصلاحات فاسد موجود و حکومت های فاسد تر ۱ ساله اخیر که همه از یک منشاء ناشی شده اند بدلیل سوابق سرشی که از خود بیادگار نهاده اند و باطنی در مقام اصلاح کشور نمیباشند و این تذا هرات فقط برای آنست که چند صبا بیشتر بدوزان تسلط استبدادی خود بر جان این مردم ادامه دهند ثانیاً هر اصلاحی که مفید بحال ملت باشد وقتی حقیقت و ثبات پیدا میکند که از طریق پارلمان و قانونی انجام یابد و بی شک مجالس ملی که مرکب از نمایندگان قاطبه مردم باشند اصلاحات را با آغوش باز پذیرفته و تصویب میکنند.

جبهه ملی هنوز معتقد است که بدون انقلاب و با سپردن حکومت بدست مردم میتوان مملکت را که هیات حاکمه ۱ ساله اخیر به لب پرتگاه سقوط کشانده است نجات داد. جبهه ملی تاکنون موفق شده است نگذارد امید مردم نسبت با استقرار حکومت ملی مبدل به یاس شود و کار مملکت به آشفتگی های غیر قابل اداه و جبران بکشد. بهمین منظور وقتی آقای علم که ظاهراً عنوان نخست وزیری دارد اظهار تمایل بمذاکره با جبهه ملی نمود و اظهار داشت اعلیحضرت مایلند به افکار و عقاید جبهه ملی احترام بگذارند و از همکاری جبهه ملی بمنفع مملکت استفاده شود هیات اجرائی جبهه ملی با اینکه با احتمال قوی میدانست - چنین مذاکره ای ثمر بخش نخواهد بود زیرا جبهه ملی میتواند از هدف های اصولی خود که در راه آن حکومت مردم بر مردم است صرف نظر کند و نه اعلیحضرت با چنین امری یعنی اجرای قانون اساسی موافقت مینموند معتدالک برای آنکه حسن نیت خود را به موطنان و جهانیان نشان دهد و راه هر گونه الفاء شبهه ای را مسدود کند آقایان الهینار صالح رئیس هیات اجرائی جبهه ملی و دکتر آذر عضو هیات اجرائی را به نمایندگی برای مذاکره با آقای علم انتخاب کرد و چند جلسه بمذاکره پرداختند و در جلسه سوم که آقای علم تکلیف کردند که باشخص اعلیحضرت در این خصوص مستقیماً مذاکره شود هیات اجرائی جبهه ملی حدود مذاکرات را که نمایندگان جبهه ملی میتوانند در آن حدود مذاکره و گفتگو کنند بصورت یادداشتی در سه قسمت باین شرح " ۱ - جبهه ملی معتقد است که باید قانون اساسی را محترم و معتبر دانست و رعایت اصول آنرا که متضمن حفظ سلطنت مشروطه و - ملت است صادقانه عهده دار بود. ۲ - جبهه ملی بحکم قانون اساسی و با توجه بمقتضای حکومت مشروطه اجرای فوری انتخابات را واجب میدانند. ۳ - جبهه ملی طرفدار اجرای اصلاحات و مبارزه با فساد است و وجود آزادیها قانونی و پارلمان ملی را از لوازم تحقق یافتن اصلاحات و هماهنگی بین ملت و دولت و جلوگیری از اتلاف بیت المال عمومی میدانند. " تسلیم آقای علم نمود و پاسخی از طرف ایشان نرسید تا آنکه انیبار دیگر خواستار ملاقات شدند ولی در این نوبت هم نتیجه ای که با اصول هدف های جبهه ملی سازگار باشد بدست نیامد. در ضمن مذاکرات آقای علم اظهار داشتند پافشاری جبهه ملی باینکه اعلیحضرت باید سلطنت بنمایند که حکومت عملی نبوده و با واقع بینی منطبق نیست ولی نمایندگان جبهه ملی باین تذکر پاسخ دادند که برای جبهه ملی قبول چنین امری که مخالف قانون اساسی و مقتضای حکومت مشروطه سلطنتی است و بمصلحت ملك و ملت و سلطنت نمیباشد امکان پذیر نبوده و نیست و ادامه چنین وضعی را موجب وخامت بیشتر اوضاع میدانند. جبهه ملی آشکار کردن این حقایق تلخ را هر چند احتمال میدهد سبب خشم و غضب بیشتر حکومت استبدادی و شدت عمل زیادتر نسبت به رهبران و افراد سازمانهای جبهه ملی شود برای روشن کردن ذهن هموطنان در این موقع خطیر لازم میشارد.

